

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «بودجه»

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۶۳

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱



شناسنامه

عنوان:

**آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «بودجه»**

مؤلف:

حجت قیاسی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۱۶۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲	مقدمه
۳	چکیده
۴	درآمد
۵	۱- مفهوم شناسی
۵	۱-۱. مفهوم لغوی
۵	۲-۱. مفهوم اصطلاحی
۶	۱-۲-۱. تعاریف علمی
۶	۲-۲-۱. تعریف قانونی
۷	۳-۱. اوصاف و ویژگی‌های بودجه
۷	۱-۳-۱. اصل سالانه بودن بودجه
۷	۲-۳-۱. اصل وحدت بودجه
۸	۳-۳-۱. اصل جامعیت یا کاملیت بودجه
۸	۴-۳-۱. اصل شمولیت یا تفصیل بودجه
۹	۲- مفاهیم مشابه
۹	۳- تاریخچهٔ اجمالی
۱۲	۴- انواع روش‌های بودجه‌نویسی
۱۲	۱-۴. روش بودجه متداول یا سنتی
۱۲	۲-۴. روش بودجه برنامه‌ای
۱۲	۳-۴. روش بودجه عملیاتی
۱۳	۵- مبانی فقهی و حقوقی بودجه
۱۳	۱-۵. مبانی اسلامی بودجه
۱۳	۲-۵. مبانی حقوقی بودجه
۱۳	۱-۲-۵. تأمین منافع عمومی
۱۴	۲-۲-۵. مستند قانونی جهت فعالیت‌های دولت
۱۴	۳-۲-۵. ابزاری جهت کنترل قوهٔ مجریه به وسیلهٔ قوهٔ مقننه
۱۴	۶- بودجه در نظام حقوقی ایران
۱۵	۱-۶. بودجه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۶	۲-۶. بودجه در قوانین عادی
۱۷	۷- جمع‌بندی
۱۸	۸- منابع پیشنهادی جهت مطالعه بیشتر
۱۹	منابع و مأخذ

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنا نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی برمدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام سازی اسلامی برداشته شود.

«بودجه، المیزانیه، Budget»

چکیده

بودجه برنامه مالی دولت است که دربرگیرنده پیش‌بینی درآمدها و منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها است که برای یک سال مالی تهیه می‌شود و هدف از آن تحقق سیاست‌ها و اهداف قانونی دولت‌ها است. ساختار برنامه‌ریزی سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های دولت جهت اجرا و عملیاتی شدن در قالب بودجه طراحی می‌گردد و از این رو دولت‌ها ملزم به بودجه‌ریزی هستند. بنابراین لایحه بودجه یکی از مهمترین لوایحی است که دولت همه ساله برای رسیدگی و تصویب به قوه مقننه تقدیم می‌کند. امروزه تهیه، تنظیم و پیشنهاد بودجه در صلاحیت انحصاری قوه مجریه قرار دارد و از سوی دیگر بررسی، رسیدگی و تصویب لایحه بودجه در زمره صلاحیت‌های انحصاری قوه مقننه محسوب می‌گردد. پس از اینکه لایحه بودجه با تصویب در قوه مقننه به قانون بودجه تبدیل می‌گردد، دولت با اجرای قانون بودجه در مسیر تحقق اهداف و سیاست‌های خود قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

بودجه، لایحه بودجه، قانون بودجه، بودجه‌ریزی، رسیدگی و تصویب، قوه مقننه، صلاحیت، قوه مجریه

درآمد

از دیرباز تا کنون حفظ و ادارهٔ جامعه نیازمند وجود تشکیلاتی از قبیل سازمان‌های اداری، دفاعی و قضائی بوده که مجموعهٔ آن‌ها نهاد حکومت را ایجاد می‌نمایند. بدون تردید حکومت در قبال مردم دارای وظایف و تکالیفی است که در صدر این وظایف، حفظ نظم و امنیت، اجرای عدالت، دفاع از کشور و تأمین نیازهای مردم قرار دارد. دولت در راستای عمل به این وظایف و تکالیف خود متحمل هزینه‌ها و مخارجی می‌شود که باید آن‌ها راپردازد که البته بدیهی است که بدون داشتن درآمد، این مسئله امکان‌پذیر نیست. بنابراین دولت ناگزیر است که منابع درآمد و اعتبار مالی برای خود ایجاد نماید. در این شرایط مفهوم بودجه و بودجه‌ریزی مطرح می‌شود؛ چرا که اساس مفهوم بودجه، پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌های ادارهٔ کشور و جامعه است. این ادعا که بودجه شریان حیاتی دولت است ادعای گزافی نیست؛ چرا که دولت ناگزیر است تمام فعالیت‌های مالی خود را برای نیل به برنامه‌ها و اهداف خود، در بستر بودجه و بودجه‌ریزی ساماندهی نماید.

امروزه اهمیت و نقش بودجه در هدایت و ساماندهی بخش‌های مختلف جامعه انکارناپذیر است به نحوی که به طور قطع می‌توان ادعا کرد که هر نوع پیشرفت و توسعه در بخش‌های مختلف یک جامعه مدیون بودجه و بودجه‌ریزی موفق و کارآمد است و برعکس، هر نوع عقب‌افتادگی و عدم پیشرفت و توسعه را نیز باید در ضعف ساختار بودجه و بودجه‌ریزی جستجو کرد.

در عصر ما به دلیل رشد و توسعهٔ دولت و جامعه و وقوع تحولات و پیشرفت‌های علمی و صنعتی، بودجه ساختار پیچیده‌ای پیدا کرده است، زیرا امروزه دیگر بودجه تنها یک نقش سیاسی صرف ایفا نمی‌کند، بلکه در کنار نقش سیاسی، نقش‌های حقوقی، اقتصادی و مدیریتی و برنامه‌ای نیز ایفا می‌کند و به عنوان یک ابزار مهم و حساس، برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دولت‌ها را منعکس می‌کند. بودجه‌ریزی موضوعی است که دارای ابعاد مختلفی از جمله تهیه، تصویب، اجرا و نظارت می‌باشد. اهمیت حقوقی لایحهٔ بودجه و قانون بودجه از یک سو به دلیل نقش و تاثیر قوای مجریه و مقننه در تکوین آن و از سوی دیگر به ماهیت آن که یک سند مالی و مربوط به درآمدها و هزینه‌های دولت است، باز می‌گردد.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱. مفهوم لغوی

بودجه در لغت، انگاره، دخل و خرج مملکت، مجموع درآمدها و هزینه‌های یک کشور، یک وزارتخانه، یک اداره، یک مؤسسه و یا یک شخص خاص معنا شده است. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۳: ۴۳۹۵) البته واژه بودجه^(۱) از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شده است که ریشه این واژه نیز در زبان فرانسه اصیل نبوده و از زبان انگلیسی اقتباس گردیده و وارد زبان فرانسه شده است. دلیل این مسئله آن است که کشور انگلستان در ابتدا آغازگر فرآیند تنظیم بودجه و تصویب آن در پارلمان بوده و سپس این روش از این کشور به سایر کشورها گسترش پیدا کرده است. واژه Budget (بوژه) یک کلمه فرانسوی قدیم است و در اصل به کیف چرمی‌ای اطلاق می‌شده که وجوه نقد را در آن نگهداری می‌کردند. از این رو در انگلستان ابتدا کیف چرمی‌ای که محتوی مخارج و درآمدهای دولت بوده و وزیر دارایی آن را به پارلمان می‌برده و صورت‌های مذکور را از آن خارج کرده و برای تصویب به پارلمان عرضه می‌داشته است Budget (بجت) نامیده می‌شد. بعد از آن که به تدریج صورت‌های مزبور در یک صورت واحد گنجانده شده است، این صورت به نام بجت (Budget) در انگلیس و بوژه (Budget) در فرانسه نامیده شده که در سایر زبان‌ها نیز همین کلمه به کار برده می‌شود. (پیرنیا، ۱۳۵۲: ۲۳۵)

در ایران نیز پس از انقلاب مشروطه و تصویب قانون اساسی مشروطیت، واژه بودجه با اقتباس از قوانین اساسی فرانسه و بلژیک، وارد قانون اساسی و قوانین مالی ایران شد و قبل از آن این واژه (بودجه) در ادبیات حقوقی و قوانین ایران استعمال نمی‌شد. (رستمی، ۱۳۹۰: ۱۹۸)

۲-۱. مفهوم اصطلاحی

در اصطلاح علم حقوق، بودجه عبارت است از «درآمدها و هزینه‌های دولتی برای یک سال مالی، مقرون به اذن مصرف آن در وزارتخانه‌ها که آن اذن را مراجع قانونگذاری می‌دهند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹: ۱۶۴) بنابراین باید گفت که آنچه که از مفهوم بودجه مستفاد می‌شود آن است که بودجه عبارت است از سند درآمدها و هزینه‌های دولت که

به تصویب مقام صلاحیت‌دار یعنی پارلمان و به تعبیر دقیق‌تر قوه مقننه رسیده است و دولت براساس این برنامه مالی مصوب، به وصول درآمدها و پرداخت مخارج عمومی، جهت رتق و فتق امور و اداره کشور می‌پردازد و اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های خود را در پرتو بودجه سالانه اعلام و عملیاتی می‌کند. فلسفه و اهمیت بودجه‌ریزی نیز به این علت است که نیازهای انسان و به تبع آن جامعه، فراوان و روز افزون است، در حالی که منابع و امکاناتی که در اختیار انسان قرار دارد محدود و کمیاب است؛ (بابایی، ۱۳۸۱: ۱۰) بنابراین بودجه و بودجه‌ریزی در واقع آن ابزاری است که دولت‌ها با بهره‌گیری از اصول و قواعد حاکم بر آن، از آن در جهت مدیریت و تأمین نیازهای فراوان و متنوع جامعه با منابع محدود استفاده می‌کنند. با عنایت به اهمیت ویژه و ابعاد مختلف بودجه، تعاریف متعددی چه از جنبه علمی و چه از جنبه قانونی از بودجه ارائه شده است. مهمترین تعاریفی که از بودجه صورت گرفته عبارتند از:

۱-۲-۱. تعاریف علمی

«بودجه یک سند مالی است مربوط به درآمدها و هزینه‌های دولت.» (فرزیب، ۱۳۸۱: ۱۶). «بودجه سندی است که در آن، درآمدها و مخارج یک سازمان یا دستگاه در دوره مشخصی از زمان، مثلاً یک سال، پیش‌بینی شده و به تصویب مقام صلاحیت‌دار رسیده باشد.» (پیرنیا، ۱۳۵۲: ۲۳۴)

«بودجه نوعی برنامه‌ریزی است و سندی است که در یک قسمت آن هزینه‌ای عمومی برآورد و طبقه‌بندی می‌شود و در قسمت دیگر آن منابع لازم جهت تأمین این مخارج پیش‌بینی می‌گردد.» (امامی، ۱۳۸۴: ۱۰۱). «بودجه یکی از وسایل مالی نظارت قوه مقننه بر دولت و نشان دهنده اشکال مالی مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی کشور است.» (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۷)

۱-۲-۲. تعریف قانونی

قانونگذار نیز نظر به اهمیت بودجه، در «قانون محاسبات عمومی کشور» مصوب ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی، بودجه را به صورت زیر تعریف کرده است:

«بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل سیاست‌ها و هدف‌های قانونی می‌شود و از سه قسمت به شرح زیر تشکیل می‌شود:

(۱) بودجه عمومی دولت که شامل اجزاء زیر است:

الف- پیش‌بینی دریافت‌ها و منابع تأمین اعتبار که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در سال مالی قانون بودجه به وسیله دستگاه‌ها از طریق حساب‌های خزانه‌داری کل اخذ می‌گردد.

ب- پیش‌بینی پرداخت‌هایی که از محل درآمد عمومی و یا اختصاصی برای اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی دستگاه‌های اجرایی می‌تواند در سال مالی مربوط انجام دهد.

۲) بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها شامل پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار.

۳) بودجه مؤسساتی که تحت عنوان غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می‌شود.»

۳-۱. اوصاف و ویژگی‌های بودجه

بودجه در عموم نظام‌های حقوقی از اوصاف و ویژگی‌های مشترکی برخوردار است که به خاطر عمومیتشان به آن‌ها عنوان «اصول بودجه» اطلاق می‌شود، که در زیر به این اصول اصلی اشاره خواهیم نمود.

۱-۳-۱. اصل سالانه بودن بودجه

اصل سالانه بودن بودجه حدود و ثغور زمانی بودجه را معین می‌کند. بنابر این ویژگی، بودجه دولت دارای عمری یک ساله است و اعتبار و کارکرد آن متعلق به همان سال مالی است و به پیش‌بینی درآمد و هزینه‌های دولت در طول یک سال خواهد پرداخت. فلسفه وجود محدودیت زمانی برای بودجه، با ماهیت آن که یک ماهیت برنامه‌ای است گره خورده است. همانطور که ذکر شد بودجه یک طرح و برنامه مالی است و موفقیت و عدم موفقیت یک طرح و برنامه نیازمند بررسی است و یک طرح و برنامه زمانی قابلیت بررسی دارد که دارای محدودیت زمانی باشد. بنابراین محدود شدن بودجه از نظر زمانی که مستلزم وجود نقطه آغاز و پایان است، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر علت انتخاب بازه یک ساله برای بودجه این است که برآورد منابع و مصارف وجوه برای دوره یک ساله دقت و صحت بیشتری نسبت به دوره‌های بلندمدت‌تر دارد و در مقابل به دلیل تغییر درآمدها و هزینه‌ها بر حسب فصول، تنظیم بودجه متعادل فصلی میسر نیست. (عباسی، ۱۳۹۱: ۳۳)

۲-۳-۱. اصل وحدت بودجه

یکی از اصول بودجه نویسی، رعایت اصل وحدت بودجه است. این اصل بدین معناست که دولت موظف است بودجه همه قوای سه گانه را در یک مجموعه و یک بار به مجلس تقدیم کند و به تصویب برساند. به عبارت دیگر بایستی تمام برنامه‌ها و

فعالیت‌های دولت و هم چنین تمام درآمدها و هزینه‌های آن به علاوه تمام دستگاه‌های مشمول بودجه به صورت یک‌جا نوشته شده و برای رسیدگی و تصویب ارائه گردد. بدین ترتیب در هر سال مالی باید یک لایحه بودجه تنظیم شود و کلیه دخل و خرج دولت - در معنای عام آن- در سندی واحد ارائه شود تا از پراکندگی و دوباره کاری‌ها جلوگیری شود و امکان ارائه تصویری جامع و کلان از برنامه مالی یکساله کشور فراهم گردد. (ابراهیمی نژاد و فرج‌وند، ۱۳۹۱: ۱۲۰)

۱-۳-۳. اصل جامعیت یا کاملیت بودجه

بر اساس این اصل، یکی از ویژگی‌های بودجه این است که کلیه درآمدهای سازمان‌های دولتی و هزینه‌های آن‌ها باید عیناً در بودجه سالانه کل کشور پیش بینی شود تا بودجه جامعه و کامل باشد. از همین رو و براساس همین ویژگی است که وصول درآمدی خارج از موارد پیش بینی شده در قانون بودجه کل کشور و هم‌چنین انجام هزینه‌ای بدون درج در آن ممنوع و بسته به مورد تخلف اداری و جرم محسوب می‌شود. (رستمی، ۱۳۹۰: ۲۱۳)

۱-۳-۴. اصل شمولیت یا تفصیل بودجه

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که بایستی در فرآیند بودجه نویسی مورد رعایت قرار گیرد، تفصیلی بودن آن است. بر اساس این اصل، بودجه دولت شامل کلیه هزینه‌ها و درآمدهای عمومی باید به صورت مشروح و ریز و جزئی تهیه شود و از پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها به صورت کلی خودداری گردد. به نظر می‌رسد علت توجه به مفصل بودن بودجه، نظارت‌پذیر نمودن اجرای آن توسط دستگاه‌های اجرایی در برابر نهادهای ناظر نظیر مجلس شورای اسلامی و ... است. بدیهی است که ذکر کلی درآمد و هزینه‌های یک دستگاه عمومی، راه را برای تخلفات مالی بیشتر فراهم می‌سازد و داوری درباره میزان تحقق اهداف و انجام وظایف و فعالیت‌ها را مشکل خواهد ساخت. (عباسی، ۱۳۹۱: ۳۷)

در کنار این اصول می‌توان از ویژگی‌های دیگری نیز درباره بودجه سخن گفت: «تخمینی بودن درآمدها» که به غیرقطعی بودن درآمدهای منعکس شده در بودجه و عدم اشکال وصول اندکی بیشتر یا کم تر از مبلغ پیش بینی شده اشاره دارد، «تحدیدی بودن هزینه‌ها» که به ضرورت محدود شدن هزینه‌های دستگاه‌های اجرایی به میزان اعتبارات مصوب اشاره دارد، اصل «تعادل» که به یک اندازه بودن درآمدها و هزینه‌ها در بودجه کل کشور نظر دارد و

اصول و ویژگی‌های دیگر از جمله مسائلی هستند که در کنار اصول مذکور، جمیع اوصاف و ویژگی‌های بودجه را تعیین می‌کنند.^(۱) (رستمی، ۱۳۹۰، ۲۰۸ و ۲۱۶)

۲- مفاهیم مشابه

هرچند مفهوم بودجه با توضیحاتی که ارائه شد ناظر به فعالیت‌های مالی دولت است، اما سایر مؤسسات و نهادهای غیردولتی و خصوصی نیز جهت اداره امور خود نیازمند برآورد مالی از درآمدها و هزینه‌های خود هستند. تراز مالی شرکت‌ها، نهادها و مؤسسات بخش غیردولتی و خصوصی نقش و کارکرد بودجه در دولت را ایفا می‌کند. تراز مالی در لغت به معنای تفاوت بین پرداخت‌ها و دریافت‌ها است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۳: ۱۶۷۷)، و ترازنامه در اصطلاح علم حسابداری به معنای صورتحسابی است که وضع مالی یک مؤسسه را در یک تاریخ معین نشان می‌دهد. (نبوی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱) البته ترازنامه به طور معمول در پایان دوره مالی تهیه می‌شود که این مسئله در برخی از مؤسسات به صورت ماهانه انجام می‌گیرد و در پایان هرماه، ترازنامه تهیه می‌گردد. ترازنامه دربردارنده اعداد و ارقامی است که بیانگر میزان دارایی و بدهی مؤسسات و سرمایه صاحب یا صاحبان آنها در تاریخ تنظیم ترازنامه است. (نبوی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۹) آن گونه که بیان شد مهم‌ترین تفاوت بودجه با تراز مالی در این است که بودجه برنامه تخمینی است که برای سال آتی مالی از میزان هزینه و درآمدها تهیه می‌شود، اما تراز مالی سندی است که دریافت‌ها و پرداخت‌ها در هر یک از دستگاه‌ها را در پایان دوره مالی مورد بررسی قرار داده و وضعیت مالی مجموعه را روشن می‌سازد و برخلاف بودجه، پسینی به حساب می‌آید.

۳- تاریخچه اجمالی

مفهوم بودجه و بودجه‌ریزی در سیر تاریخی خود در قلمرو بخش عمومی قرار داشته و با مفاهیمی همچون حکومت، سیاست و دولت همواره پیوند نزدیک داشته است. انتخاب و بکارگیری واژه بودجه به مفهوم امروزی آن که در حقیقت ارائه دهنده مجموعه درآمدها و هزینه‌های دولت است، از نیمه نخست قرن هجدهم میلادی صورت گرفت؛ اما دخل و خرج عمومی در مفهوم کلی و در سیر تاریخی خود، حداقل از جنبه نظری، با پیدایش

۱. برای مطالعه دقیق تر اصول حاکم بر بودجه رک: ولی رستمی، مالیه عمومی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰، صص ۲۰۴ تا ۲۲۶.

حکومت تقارن داشته است. (شبییری نژاد، ۱۳۷۵: ۴۷) بنابراین وجود اصلی با مفهوم بودجه که هدف آن توازن در دخل و خرج عمومی کشور بوده، در سیر تاریخی حکومتها وجود داشته اما آن موضوعی که نقطه عطف در سیر تحولات تاریخی بودجه محسوب می شود و سبب تغییرات و تحولات عمیقی گشته، موضوع دخالت مجالس قانونگذاری در امر تدوین بودجه است. سابقه مداخله نمایندگان منتخب مردم در پارلمان در ارتباط با موضوع دخل و خرج حکومت به قرن سیزدهم میلادی باز می گردد. نقطه آغازین این حرکت از کشور انگلستان به جوشش درآمد و اعیان و فئودال های انگلیسی با هدف جلوگیری از گسترش روز افزون هزینه های دربار پادشاهی که باعث تحمیل مالیات های سنگین بر جامعه می شد، علیه حکومت دست به اعتراض زدند و حضور در تصمیم گیری های مربوط به حدود مالیات ها را خواستار شدند. (شبییری نژاد، ۱۳۷۲: ۱۳۶) در اثر این اعتراضات در سال ۱۲۱۵ میلادی حق پارلمان در وضع مالیات و تصویب مخارج عمومی برای نمایندگان پارلمان انگلستان به رسمیت شناخته شد و مقرر گردید که مالیات ها و عوارض باید به تصویب پارلمان برسد. (میرزاپور، ۱۳۸۹: ۱۲) پس از تثبیت و تحقق حق تصویب مالیات ها و عوارض، به تدریج توجه نمایندگان مردم به سمت هزینه ها معطوف شد. از سال ۱۳۴۴ میلادی نظارت پارلمان در موضوع مخارج و تصویب برنامه هزینه های دولت و دستگاه های اداری در انگلستان مطرح شد. در آن سال برای نخستین بار در پارلمان آن کشور این موضوع مطرح شد که پارلمان علاوه بر اینکه باید مالیات ها و عوارض را به تصویب برساند، باید نسبت به نحوه مصرف درآمدهای عمومی دولت و دستگاه های اداری نیز اظهار نظر کند. هر چند این اصل از سال ۱۳۴۴ میلادی به طور مکرر در پارلمان مطرح می شد، اما با مخالفت های جدی دولت روبرو می گردید و دولت این اجازه را به پارلمان نمی داد. سرانجام پارلمان با پافشاری و اصرار زیاد جهت تحقق این خواسته خود موفق شد که دولت انگلستان را مجبور کند تا هر ساله اطلاعات جامع تر و صورتحساب های بیشتری درباره مخارج خود به پارلمان تسلیم کند. بدین ترتیب پس از سال ها اختلاف بین دولت و پارلمان در ارتباط با تقدیم پیش بینی هزینه ها به پارلمان، ارائه و تقدیم پیش بینی هزینه ها در کنار ارائه و تقدیم پیش بینی درآمدها توسط دولت به پارلمان تثبیت گردید و روش تهیه و پیشنهاد بودجه آغاز شد و در اثر این تحولات تدریجی، سرانجام در اوایل قرن هجدهم میلادی موضوع تهیه و تصویب بودجه و الزام دولت به اجرای بودجه پارلمان در کشور انگلستان تثبیت و اجرایی شد. (پیرنیا، ۱۳۵۲: ۲۳۹) بعد از آنکه فرآیند تصویب و اجرای بودجه در انگلستان تثبیت شد، به

سرعت این شیوه به سایر کشورها نیز منتقل شد. در ایران، قبل از برقراری نظام مشروطیت، حکومت پادشاهی و سلطنتی حاکم بود که پادشاهان بدون انتخاب از جانب مردم و به روش موروثی بر مسند قدرت قرار می‌گرفتند و تمام امور کشور را در اختیار داشتند. بدیهی است که در این ساختار حکومتی، نهادی جهت تصویب و نظارت بر اجرای بودجه وجود نداشت و کلیه امور مالی کشور همانند سایر امور، در اختیار شاه بود. به عبارت دیگر تمام درآمدها و عواید کشور در اختیار شاه بود و تمام هزینه‌ها و مخارج نیز به فرمان و تصویب شخص شاه صورت می‌گرفت. (شیرازی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۵۱) اما با وقوع و پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی که نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رود، حکومت پادشاهی مشروطه جایگزین حکومت پادشاهی مطلق گردید و سبب تغییرات مهم و گسترده در همه زمینه‌ها در جامعه ایران شد. از مهم‌ترین ارمغان‌های این انقلاب، تهیه و تصویب قانون اساسی، تأسیس مجلس شورای ملی و تأسیس عدلیه بود. تا قبل از انقلاب مشروطه، اخذ مالیات از مردم تبدیل به ظلم بزرگی شده بود، لذا مشروطه‌خواهان در تهیه و تصویب قانون اساسی مشروطه و متمم آن اختیارات مالی و مالیاتی را از دربار پادشاهی سلب نمودند و در اختیار نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای ملی قرار دادند و متعاقب آن در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی، اولین لایحه بودجه ایران مطابق با اصول و موازین بودجه‌نویسی نوین تهیه و تنظیم گردید. از سال ۱۲۸۹ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی بودجه‌نویسی در ایران صورت می‌گرفت، اما با فراز و نشیب‌هایی مواجه بود که از جمله آن می‌توان به مشارکت مستشاران خارجی در تهیه بودجه و ایجاد وقفه چند ساله در بودجه‌نویسی به علت شرایط نابسامان سیاسی کشور در بحبوحه جنگ جهانی و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین اشاره کرد. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و سقوط نظام پادشاهی و انحلال مجالس شورای ملی و سنا، تا قبل از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت تصویب احکام بودجه‌ای ابتدا به هیأت وزیران دولت موقت و بعد از آن به شورای انقلاب اسلامی سپرده شد. با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی و به موجب اصل ۵۲ آن، رسیدگی و تصویب لایحه بودجه در زمره صلاحیت‌های مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. اولین دوره مجلس شورای اسلامی در تیرماه ۱۳۵۹ تشکیل شد و از آن تاریخ تاکنون و بدون وقفه، کار رسیدگی و تصویب لایحه بودجه در نظام جمهوری اسلامی ایران در مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. (شیرازی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۶۹)

۴- انواع روش‌های بودجه‌نویسی

تهیه و تنظیم بودجه دارای شیوه‌ها و روش‌های مختلفی است. هدف از به‌کارگیری این روش‌ها، تهیه بودجه با رعایت ضوابط فنی و منطقی بودجه‌نویسی است که سبب استحکام و واقعی بودن بودجه می‌گردد. روش‌های بودجه‌نویسی از تنوع زیادی برخوردار هستند که در این مبحث به مهمترین آنها اشاره می‌گردد:

۴-۱. روش بودجه متداول یا سنتی

این شیوه در واقع قدیمی‌ترین روش بودجه‌نویسی است که در آن اعتبارات مربوط به هزینه‌های هر دستگاه اجرایی به تفکیک فصول و مواد هزینه‌ای تقسیم‌بندی و پیش‌بینی می‌گردد. در این روش هدف و مقصود از هزینه‌ها و اینکه این هزینه‌ها در راستای اجرای چه برنامه‌ای پیشنهاد شده، مشخص نیست و تنها نوع و ماهیت هزینه‌ها معلوم است. (رستمی، ۱۳۹۰: ۲۳۷)

۴-۲. روش بودجه برنامه‌ای

در این روش اعتبارات هر دستگاه اجرایی با توجه به وظایف، برنامه و فعالیت‌هایی که آن دستگاه در سال مالی اجرای بودجه برای رسیدن به اهداف خود باید انجام دهد پیش‌بینی و در بودجه منظور می‌گردد. بنابراین در بودجه برنامه‌ای، اهداف، وظایف و مقاصد دستگاه اجرایی در سال اجرای بودجه مشخص و مصوب است و همچنین نحوه نیل به اهداف مصوب به لحاظ نوع عملیات و فعالیت‌ها و نیز میزان اعتبارات معلوم و مشخص است. (رستمی، ۱۳۹۰: ۲۳۸)

۴-۳. روش بودجه عملیاتی

در روش بودجه‌ریزی عملیاتی در برآورد هزینه‌های هر فعالیت، روش‌ها و معیارهای دقیقی مانند حسابداری قیمت تمام شده و نیز روش اندازه‌گیری کار مورد استفاده قرار می‌گیرد تا از این طریق رقم اعتبارات تخصیص یافته متناسب با حجم فعالیت‌ها تعیین گردد. به تعبیر دیگر رقم اعتبارات تخصیص یافته بیانگر حجم و میزان فعالیت‌های مصوب است و این موضوع باعث می‌شود که در مرحله نظارت بر اجرای بودجه نیز توجه بیشتری به میزان پیشرفت کار و عملیات انجام شده بشود. (کرباسیان، ۱۳۷۸: ۲۲۷)

روش‌های دیگری نیز در بودجه‌نویسی مورد استفاده قرار می‌گیرند که می‌توان به روش نظام بودجه‌ریزی طرح و برنامه، روش بودجه‌بندی بر مبنای صفر، روش ارزیابی مستقیم، روش سنجیده‌منظم و روش میانگین اشاره کرد. (رستمی، ۱۳۹۰: ۲۳۶)

۵- مبانی فقهی و حقوقی بودجه

۵-۱. مبانی اسلامی بودجه

همانطور که اشاره شد اداره جوامع بشری و تشکیل حکومت و به عهده گرفتن امور اجتماعی و عمومی مردم در زمینه‌های مختلف، جز با وجود بودجه و هزینه کردن آن امکان‌پذیر نیست و به تبع آن و به هر اندازه که وسعت یک حکومت گسترده‌تر و انتظارات مردم از دولت بیشتر باشد اداره آن جامعه نیز نیازمند بودجه و اعتبار بیشتری است. جامعه و حکومت اسلامی نیز از این قانون و قاعده مستثنی نمی‌باشد. اسلام دین و حکومت را در کنار یکدیگر و احکام عبادی را در کنار احکام اقتصادی و سیاسی قرار داده است و قرآن و سنت نیز برای رفع نیازمندی‌های عمومی جامعه مواردی را از قبیل زکات، خمس، غنیمت‌های حاصل از جنگ، فیه و انفال و... را به عنوان منابع مالی حکومت اسلامی مقرر نموده است (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۶: ۲۴). دلایل عقلی از یک سو و ماهیت احکام اسلام از سوی دیگر و سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) و مفاد آیات و روایات، لزوم و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را تأیید و تثبیت می‌نماید. لزوم تشکیل حکومت یک مسئله همیشگی است، یعنی اختصاص به دوره و زمان خاصی ندارد و زندگی اجتماعی بشر، همواره به حکومت و لوازم آن احتیاج داشته است. منابع مالی و مالیات‌هایی از قبیل خراجات، خمس و زکات که اسلام مقرر داشته و موارد هزینه‌ای مطرح شده در اسلام همچون آبادانی شهرها، رسیدگی به فقرا و کمک به در راه‌اندگان (ابن السبیل) در واقع طرح بودجه‌ای اسلام در راستای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. (خمینی، ۱۳۸۱: ۳۱ و ۵۰) بنابراین از دیدگاه اسلامی و با توجه به مبانی فقهی تشکیل و اداره حکومت اسلامی، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی برای تأمین منابع مالی و چگونگی وصول آن با هدف هزینه‌کردن منابع جهت دستیابی به اهداف مدنظر در جامعه یک امر بدیهی است که شک و تردیدی در آن نیست.

۵-۲. مبانی حقوقی بودجه

۵-۲-۱. تأمین منافع عمومی

یکی از وظایف اصلی هر حکومت تأمین منافع عمومی است. بودجه و بودجه‌ریزی یکی از ابزارهایی است که این هدف را تأمین می‌کند، چرا که تأمین نیازهای افراد جامعه نمی‌تواند تابع ذوق و سلیقه شخصی اشخاص باشد؛ بدین گونه که افرادی خاص در

طبقه حاکمان مبادرت به تعیین نیازها و اولویت بندی آن‌ها بر اساس سلیقه و نظر شخصی خود نمایند و به واقعیت‌های جامعه و نیازها و مطالبات حقیقی مردم و شهروندان توجه نکنند. بنابراین بودجه و بودجه‌ریزی در واقع قالب و چارچوبی است که با عمل به اصول و قواعد حاکم بر آن، فرایند تخصیص منابع محدود جهت رفع نیازهای متعلقه، فراوان و روبه رشد بدون اعمال ذوق و سلیقه شخصی و بر اساس نیازهای حقیقی و واقعی جامعه صورت می‌پذیرد تا از هدر رفت منابع و ناکامی در تأمین منافع عمومی جلوگیری گردد. (ابراهیمی‌نژاد و فرج‌وند، ۱۳۹۱: ۱۰)

۲-۲-۵. مستند قانونی جهت فعالیت‌های دولت

دولت برای اینکه بتواند از طریق بودجه از یک سو به تأمین منابع بپردازد و از سوی دیگر هزینه‌های عمومی را پرداخت نماید، نیازمند یک مجوز قانونی است که با استناد به آن اقدامات لازم را انجام دهد. این مجوز قانونی در قالب بودجه محقق می‌شود. به این ترتیب که رسیدگی و تصویب بودجه ارائه شده از سوی دولت در قوه مقننه و توسط نمایندگان منتخب مردم بودجه را تبدیل به قانون بودجه می‌نماید. در این شرایط اقدامات دولت جهت تأمین منابع و پرداخت هزینه‌های عمومی جنبه قانونی پیدا کرده و با استناد به قانون بودجه صورت می‌پذیرد. لذا باید گفت که بودجه در حقیقت مجوزی از طرف مردم یا نمایندگان آنها به دولت است که بر اساس این مجوز دولت می‌تواند به اخذ مالیات و سایر منابع تأمین اعتبار پرداخته و از سوی دیگر این درآمدها و منابع را در مصارف و هزینه‌های مشخص به مصرف برساند. (پیرنیا، ۱۳۵۲: ۲۴۷)

۳-۲-۵. ابزاری جهت کنترل قوه مجریه به وسیله قوه مقننه

مطابق اصل تفکیک قوا، مسئولیت اداره کشور به عهده قوه مجریه است و از سوی دیگر نیز یکی از وظایف اصلی قوه مقننه نظارت بر عملکرد قوه مجریه است. نظارت و کنترل قوه مقننه بر نحوه تأمین منابع و هزینه‌های کشور از طریق قانون بودجه محقق می‌شود. رسیدگی و تصویب بودجه در قوه مقننه یکی از ابزارهای کنترل قوه مقننه بر قوه مجریه محسوب می‌شود و زمینه‌های مسئولیت و پاسخگویی دولت را فراهم می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۹)

۶- بودجه در نظام حقوقی ایران

فرایند بودجه و بودجه‌ریزی دارای چهار مرحله است که در اصطلاح از آن به

دوره بودجه یا فراگرد بودجه تعبیر می‌شود که شامل مرحله تهیه و تنظیم، مرحله رسیدگی و تصویب، مرحله اجرا و در نهایت مرحله نظارت بر بودجه است. قواعد و قوانین و مقرراتی برای تحقق مراحل چهارگانه بودجه در نظام حقوق داخلی، هم در حیطه قانون اساسی و هم در حیطه قوانین عادی وجود دارد:

۶-۱. بودجه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنوان اقتصاد و امور مالی به بیان و تبیین اصول مربوط به بودجه پرداخته است. اصل پنجاه و دوم الی پنجاه و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این فصل به صورت مشخص و صریح این مبانی و اصول اساسی را ذکر می‌کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل پنجاه و دوم با طرح موضوع بودجه، فرآیند تهیه قانون بودجه و صلاحیت‌های قوای مجریه و مقننه را در فرآیند تهیه، تنظیم و تصویب بودجه بیان می‌کند.^(۱) مطابق تصریح این اصل، قوه مجریه صلاحیت تهیه و تنظیم بودجه را بر عهده داشته و قوه مقننه نیز صلاحیت رسیدگی و تصویب آن را عهده‌دار است. در اصل پنجاه و سوم به موضوع خزانه کل کشور و تمرکز دریافت‌های دولت در حساب خزانه اشاره شده است.^(۲) دو اصل بعدی یعنی اصول پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم قانون اساسی به دیوان محاسبات کشور و صلاحیت‌ها و وظایف و اختیارات دیوان در نظارت بر اجرای بودجه پرداخته است^(۳) که بر این اساس دیوان

۱. اصل پنجاه و دوم: «بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.»

۲. اصل پنجاه و چهارم: «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.»

۳. اصل پنجاه و چهارم: «دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.»

اصل پنجاه و پنجم: «دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریع بودجه هر سال را به ائمه‌امام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.»

محاسبات کشور به لحاظ جایگاه سازمانی، نهادی زیر نظر مجلس شورای اسلامی تعریف شده است که وظیفه نظارت بر اجرای بودجه از طریق رسیدگی و حسابرسی بر هزینه‌ها و ارائه گزارش تفریغ بودجه را برعهده دارد.

۲-۶. بودجه در قوانین عادی

در نظام حقوقی ایران، در میان قوانین عادی که در ارتباط با بودجه و بودجه‌ریزی مطرح هستند^(۱)، دو قانون برنامه و بودجه کشور مصوب اسفندماه ۱۳۵۱ و قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶، دارای بیشترین احکام و قواعد مربوط به بودجه و بودجه‌ریزی هستند. قانون برنامه و بودجه کشور متضمن احکام اصلی مربوط به تهیه و تنظیم بودجه است و تعریف‌ها، اصطلاحات و مسئولیت‌های مربوط به تهیه و تنظیم بودجه در آن به صورت مفصل قید شده است (شیرازی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۹۲) و در قانون محاسبات عمومی کشور نیز احکام مربوط به نحوه اجرای مالی بودجه قید شده است. البته در این قانون از بودجه، محتوای آن و چند مفهوم دیگر که در حوزه بودجه‌ریزی کاربرد دارند، تعاریفی نیز ارائه شده است. علاوه بر این دو قانون، در سایر قوانین نیز به موضوع بودجه توجه شده است. در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹ قواعد و تشریفات شکلی رسیدگی و تصویب لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی بیان شده است^(۲) و در قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۱ نظارت دیوان محاسبات بر اجرای بودجه و حدود وظایف و اختیارات و تشکیلات سازمانی و اداری آن معین شده است. در قانون تنظیم بخشی از مقررات

۱. الف) قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱.

ب) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی آن.

ج) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحی مصوب ۱۳۸۷.

د) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و قانون الحاق موادی به قانون مذکور مصوب ۱۳۸۴.

ه) قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹.

و) قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۱ با اصلاحات بعدی آن.

ز) قوانین بودجه سالانه کل کشور.

۲. بند دوم از مبحث چهارم از فصل دوم باب دوم قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحی مصوب ۱۳۸۷ با عنوان «تصویب بودجه سالانه کل کشور»، طی مواد ۲۱۶ و ۲۱۷ به این موضوع پرداخته است.

مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و الحاقیه آن، مصوب ۱۳۸۴، احکامی درباره تهیه و تنظیم و اجرای بودجه گنجانده شده است و در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۸۹ از ماده ۲۱۳ تا ۲۳۵ احکام و ضوابطی قید شده است که موضوع آن‌ها تحول در نظام بودجه‌ریزی ایران است. (رستمی، ۱۳۹۰: ۲۰۴)

در ارتباط با قوانین بودجه سالانه کل کشور نیز باید گفت که هرچند قانون بودجه مختص همان سال مالی است که بودجه برای آن سال تصویب شده و به بیان دیگر مواد، احکام و تبصره‌های موجود در قوانین بودجه سالانه، عمر یک ساله دارند و با پایان یافتن سال مالی اعتبار خود را از دست می‌دهند، اما در بعضی از موارد و به موجب برخی تبصره‌های بودجه در سال‌های مختلف، وظایف و تکالیفی در حوزه اصلاح ساختار نظام بودجه‌ریزی کشور، اصلاح ساختار برآورد درآمدها و هزینه‌ها و عملیاتی کردن بودجه در قوانین بودجه قید شده است که صرف نظر از صحت یا عدم صحت این موضوع، عملاً مورد استناد قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه می‌توان به تبصره ۷۲ «قانون بودجه سال ۱۳۶۲» اشاره کرد. این تبصره دولت را مکلف کرده است که بودجه ارزی هر سال را ضمن بودجه کل کشور به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. (شیرینی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰۱)

۷- جمع بندی

موضوع بودجه و بودجه‌ریزی یکی از موضوعات مهم و اساسی در عصر ما است که به دلیل رشد و توسعه مفهوم و کارکرد دولت و جامعه و وقوع تحولات و پیشرفت‌های علمی و صنعتی به ساختار پیچیده‌ای تبدیل شده است؛ چرا که امروزه دیگر بودجه تنها به عنوان یک پدیده صرفاً اقتصادی ایفاء نقش نمی‌کند، بلکه واجد نقش‌های دیگری از جمله نقش حقوقی، سیاسی، مدیریتی و برنامه‌ای نیز بوده و در حقیقت منعکس‌کننده برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دولت‌ها می‌باشد.

اهمیت بالای سند بودجه و جایگاه آن سبب شده که سند بودجه در مقایسه با سایر قوانینی که به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد، واجد ویژگی‌های خاص و متمایزی باشد. این ویژگی‌های خاص و متمایز علاوه بر اینکه در بودجه وجود دارد، در تشریفات و نحوه رسیدگی و تصویب لایحه بودجه به هنگام بررسی و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی نیز وجود دارد. فرآیند تهیه، تنظیم و رسیدگی و تصویب بودجه که با حضور و دخالت مستقیم و فراگیر هر دو قوه مجریه و مقننه صورت

می‌پذیرد، دارای تشریفات خاصی است که به موجب قوانینی که توسط قانونگذار در این زمینه به تصویب رسیده، معین شده و بر اساس آن صورت می‌پذیرد. دلیل وجود این تشریفات خاص و به طور کلی توجه ویژه به بودجه در مقایسه با سایر لوايح و طرح‌های دیگر، اهمیت موضوع بودجه است. چرا که بودجه تنها بیان ارقام و درآمدها و هزینه‌های کشور نیست، بلکه تبلور برنامه‌ها، سیاست‌ها و چشم اندازهای دولت برای یک سال است. بنابراین اصولاً سند بودجه مفاد و شکلی خاص و متفاوت از سایر قوانین دارد که آن را از سایر قوانین متمایز کرده است.

۸- منابع پیشنهادی جهت مطالعه بیشتر

الف: کتب

۱. آذر، عادل و امیرخانی، طیبه، بودجه ریزی عمومی (نهادهای بودجه‌ریزی و بودجه محلی)، سمت، تهران، ۱۳۹۰.
۲. پژویان، جمشید، مالیه عمومی و تعیین خط مشی دولت‌ها، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۲.
۳. جزایری، سید شمس الدین، قوانین مالیه و محاسبات عمومی و مطالعه بودجه از ابتدای مشروطیت تا حال، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۵.
۴. دفتر مطالعات برنامه و بودجه، بودجه‌ریزی در ایران (مسائل و چالش‌ها)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.
۵. رنجبری، ابوالفضل و علی بادامچی، حقوق مالی و مالیه عمومی، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۵.
۶. رنگریز، حسن و غلامحسین خورشیدی، مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران، ۱۳۸۳.
۷. شریفی، بهزاد، مبانی و فراگرد تنظیم تا کنترل بودجه، انتشارات رامان، ایلام، ۱۳۸۹.
۸. کردیچه، محمد، نظام بودجه ریزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران، ۱۳۸۵.

ب: مقالات

۱. دفتر بررسی‌های اقتصادی، «۸۸ سال بودجه‌ریزی دولتی؛ نگاهی به پشت سر»، فصلنامه مجلس و پژوهش، شماره ۲۳، ۱۳۷۶.
۲. نبی‌لو، حسین، «بررسی نحوه تعامل قوای مجریه و مقننه در بودجه‌ریزی»، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۱۲، ۱۳۸۶.

منابع و مآخذ

کتاب

۱. ابراهیمی نژاد، مهدی و اسفندیار فرج‌وند، اصول تهیه و تنظیم و کنترل بودجه، سمت، تهران، ۱۳۸۰.
۲. احمدی، علی محمد، اصول و مبانی بودجه‌ریزی (با تأکید بر بودجه‌ریزی عملیاتی)، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نورالعلم، تهران، ۱۳۸۷.
۳. امامی، محمد، کلیات حقوق مالی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴.
۴. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد سوم از دوره هشت جلدی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱.
۵. بابایی، حسن، بودجه‌ریزی دولتی در ایران (از نظریه تا سیاست)، شرکت چاپ و نشر بازگانی، تهران، ۱۳۸۱.
۶. پیرنیا، حسین، مالیه عمومی مالیات‌ها و بودجه، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۲.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، و سیط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۸۹.
۸. خمینی، سید روح الله موسوی، ولایت فقیه (امام خمینی)، در یک جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۱.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد سوم از دوره ۱۴ جلدی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲.
۱۰. رستمی، ولی، مالیه عمومی، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰.
۱۱. شبیری نژاد، علی اکبر، گستره مالی و ساختار بودجه‌ای ایران «الگوی منابع و مصارف»، نشر نی، تهران، ۱۳۷۵.
۱۲. شبیری نژاد، علی اکبر، بودجه و بودجه‌ریزی در ایران؛ بودجه و پارلمان، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
۱۳. عباسی، ابراهیم، بودجه‌ریزی نوین در ایران (اصول، مراحل و روش‌ها)، سمت، تهران، ۱۳۹۱.
۱۴. فرزيب، علیرضا، بودجه‌ریزی دولتی در ایران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۸۱.

۱۵. کرباسیان، اکبر، بودجه و بودجه‌ریزی دولتی در اقتصاد ایران، مؤسسه عالی بانکداری ایران (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)، تهران، ۱۳۷۸.
۱۶. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، جلد ۶، موسسه کیهان، قم، ۱۳۶۷.
۱۷. نبوی، عزیز، اصول حسابداری، جلد اول، انتشارات کتابخانه فروردین، تهران، ۱۳۷۱.
۱۸. نبوی، عزیز، اصول حسابداری، جلد دوم، انتشارات کتابخانه فروردین، تهران، ۱۳۷۱.

مقالات و پایان‌نامه

۱. شبیری‌نژاد، علی اکبر، «نقدی بر نظام بودجه‌ریزی ایران»، فصلنامه مجلس و پژوهش، شماره یک، ۱۳۷۲.
۲. میرزاپور، علی، پایان نامه کارشناسی ارشد، «بررسی تطبیقی نقش قوه مقننه در تصویب بودجه در حقوق ایران و فرانسه»، دانشکده حقوق دانشگاه تهران - پردیس قم، ۱۳۸۹.

قوانین و مقررات

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری مصوب ۱۳۶۸.
۲. قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱.
۳. قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی.
۴. قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحی مصوب ۱۳۸۷.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir